

نابود باد جنگ: مرگ بر خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سرو برنامه (هویت)

دوره ۴ - سال دوم
شماره ۲۲ - فروردین ماه

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران گرامی باد

نمود ، اکنون در حیات تشکیل رژیم خمینی ، فعلا سه برای سرنگونی این رژیم ارتجاعی و ضد کارگری و استقرار صلح و آزادی بعنوان مبرم ترین خواست توده های مردم بیکار می کنند . طی یک سال گذشته کارگران و زحمتکشان ایران بارها به اشکال مختلف علیه رژیم خمینی و حامیان سرمایه دار آن پیوسته خواستند . این مبارزات قهرمانانه که عموماً در اشکال اقتصادی جریان داشت ، از مضمونی سیاسی و علیه کلیت رژیم برخوردار بود . طبقه کارگر ایران طی یک سال گذشته نشان داد که نمی خواهد به توصیه اپورتونیستها و رفرمیستها گوش داده و مبارزه خود را به مبارزه صنفی محدود نماید . کارگران ایران نشان دادند که در مبارزه برای نابودی جنگ ، سرنگونی رژیم خمینی و برقراری صلح و آزادی فعلا سه می کوشند و در این مبارزه حاضر به همه نوع فداکاری و از خود گذشتگی هستند . اکنون طبقه کارگر و زحمتکشان ایران به آن حد از بلوغ سیاسی و طبقاتی رسیده اند که بدانند مبارزات آنها علیه این سرمایه داران و چو با کل طبقه سرمایه دار هنگامیکه سمت و سری آن علیه قدرت سیاسی حامی استثمارگران نباشد ، فاشد

بقیه در صفحه ۷

کارگران و زحمتکشان واحدهای مقاومت کارگری کارگران پیشرو

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) ، بمناسبة اول ماه مه به همه کارگران و زحمتکشان ایران که با مبارزه خونین و درخشان خود علیه رژیم ارتجاعی و ضد کارگری خمینی به پیش میروند درود می فرستد . طبقه کارگر ایران بعنوان انقلابی ترین و پیشروترین طبقه اجتماع طی بیش از ۲۰ سال حیات خود ، تجربیات ارزشمندی در مبارزه برای نابودی سلطه امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی در میهن ما اندوخته است . اما بدون کله تجربه گرانبهای مبارزاتی یک دهه گذشته طبقه کارگر ایران ، که در آن طبقه کارگر و زحمتکشان ایران با تداوم مبارزه اقتصادی و سیاسی و با اتخاذ اشکال مختلف مبارزه توانسته است در بیکار عظیم مردم ایران ، علیه دو رژیم استثمارگر ، عملاً نه بگوید ، چشم انداز پر شکوهی را در مقابل محرومیتها و استبدادگانه جامعه ما مجسم خواهد کرد . طبقه کارگر و زحمتکشان ایران ، که با مبارزات قهرمانانه خود نقشی عظیم در سرنگونی رژیم ضد خلقی شاه ایفا

بحران اقتصادی تعمیق می یابد

وضع اقتصادی رژیم بعقل مختلف در بدترین حالت برای حکومت ارتجاع میباشد . پائین آمدن قیمت نفت همراه با کاهش میزان تولید نفت که مهمترین علت آن بسمارن خارک توسط عراق می باشد . با ضافه کاهش فوق العاده ذخیره های ارزی رژیم ، وضع اقتصادی رژیم را هر چه بیشتر بحرانی نموده است . در این رابطه بیشترین فشار از طرف ارتجاع به مردم زحمتکش میهن ما وارد میشود . عمده درآمد رژیم صرف مخارج سرکوب و جنگ میشود و اوضاع اقتصادی هر روز به وخامت بیش از پیش میگراید . سال ۶۴ برای رژیم با بحران های متعدد سیری شد . سرمای سال ۶۵ را میتوان با تحلیل اقتصادی سال ۶۳ ، با در نظر گرفتن کاهش درآمد و کاهش فوق العاده ذخیره های ارزی رژیم تصویر نمود . که ما اکنون به جنبه هایی از آن می پردازیم :

۱ - وضعیت تولید کارخانه ای - در این مورد نیز مانند سایر موارد آمار رژیم قابل اعتماد نیست . اساساً از جمع آوری و مقایسه آمار مختلف میتوان با برآوردی حدود ۲۰ درصد کاهش در تولیدات صنعتی (در سال ۶۳) دست یافت . آمار ارائه شده از طرف رژیم و ادعاهای سردمداران آن معمولاً متفاوت و متناقضند مثلاً در جایی مقام رسمی سازمان برنامه صحبت از کاهش تولیدات در صنایع اساسی مانند نفت و گازوبرق دارد و در مورد کاهش ۲۰ درصد با خبرنگاران چانه میزند و در جایی دیگر بخش اقتصادی فلان روزنامه ارتجاع خبر از کاهش تولیدات آهن و نورد با ذکر

بقیه در صفحه ۲

تکرار تسلیم مسئول شورای ملی مقاومت به تخت وزیر سوئد بمناسبت ترواوان پالمه
در صفحه ۷

گزارشاتی از روحیات توده ها (۱)

توضیح : به ابتکار یکی از رفقای هوادار در خارچ از کشور گزارشاتی از وضع و روحیات توده ها توسط ایرانیانی که به تازگیها از جبهه خمینی گریخته اند تهیه شده است . این گزارشات توسط خود این هموطنان که وابسته به گرایشات مختلف اجتماعی هستند ، تهیه و برای ما فرستاده شده است که ما به

بقیه در صفحه ۸

درباره ماجراجویی جدید
باند شرور نوکل اقلیت
در صفحه ۸

بیاد رزمنده کبیر راه استقلال ، دمکراسی ، صلح و سوسیالیسم رفیق کبیر فدایی شهید بیژن جزنی و یارانش

فهمیدند که این دروغ بزرگ وسیله است برای پنهان کردن دستان خون النود جلدانی که بهترین فرزندان خلق را به گلوله می بندند . سه سال بعد ، یکی از جلدانی که خود در این جنایت شرکت داشت (تهرانی ساواکی مزدور) در محاکمه ای که رژیم خمینی برای او ترتیب داده بود به این امر اعتراف نمود . جالب اینست که مزدوران رژیم خمینی با دیکته کردن مواردی از قبیل اینکه بین مزدوران ساواک و جزنی " اختلاف های شخصی وجود داشته " تلاش کردند که بخوی دیگر و برای جلوگیری از نفوذ این رزمندگان در بسن توده ها ، در این جنایت شرکت شوند . رفقای فدایی

بقیه در صفحه ۷

روز ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ ، رژیم شاه این مزدور و سرسپرده امپریالیسم ، ۹ رزمنده انقلابی را به شهادت رساند .
رفقای فدایی بیژن جزنی ، حسن شیاه ظریفی ، عباس سورکی ، مشعوف (سعید) کلانتری ، احمد جلیل افشار ، عزیز سرددی و محمد جوان زاده و نیز دو تن از رزمندگان قهرمان مجاهد خلق ، کاظم نوا لانوار و مصطفی خوشدل توسط مزدوران ساواک در تپه های اوین به گلوله بسته شدند و رژیم برای لاپوشانی کردن این جنایت خود اعلام نمود که این رزمندگان را در حال فرار به گلوله بسته است . اساساً همان موقع چه مردم ایران و چه مردم سراسر جهان

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

بحران ...

تقیه از صفحه ۱

اعداد و ارقام میدهد و در همان نشریه یکی دیگر از دروغ پردازان رژیم لاف از افزایش تولید و صدور تولیدات به خارج میزند. بهر حال در این مورد نشریه رسمی وزارت صنایع به این ترتیب اظهار نظر می کند " در سال ۶۳ وزارت صنایع ارز مورد نیاز خود را کلاً ۷/۸ میلیارد ارزیابی نموده است. ۴/۵ میلیارد برای واردات مواد اولیه و ۱/۳ میلیارد برای قطعات بدکی و فرسوده و ۲ میلیارد برای خرید ماشین آلات، اما سهمیه ارزی ما (وزارت صنایع) جمعاً ۲/۷ میلیارد تعیین شده است. ۰۰۰۰ با این کسر بودجه ارزی یعنی بیشتر از ۵ میلیارد دلار بخوبی روشن است که با این وضع ما قادر به تولید محصولات در حداقل نیاز نیست نخواهیم بود. " این نشریه رسمی در ادامه این قسمت با محاسبه و ارائه جدولی کاهش تولیدات سال ۶۳ را حدود ۱۵ درصد ارزیابی می کند و پس از ارائه جداول از حدود ۵۰۰ کارخانه و شرکت که با کاهش تولید روبرو بوده صحبت می کند (منجمله ۳۵ کارخانه شیمیائی، ۱۳ سیمان، ۸۴ نساجی، ۵۱ وسایل برقی و خانگی، ۶۱ غذایی، ۳۱ سلولزی، ۶۳ ساختمانی ۳۰ دارویی و ۰۰۰). روشن است ناموزونی رشد در این مورد نیز محذوق دارد، یعنی قطعی است که رشد به جلو با رشد منفی رشته های مختلف کاملاً با یکدیگر منطبق نیست. کمبود دارو و به تبع آن کمبود مواد اولیه و قطعات و اخیراً بازار فروش برای کارخانه ها از مهمترین مشکلات است. علاوه بر آنکه مقاومت و کم کاری کارگران (غیر از موارد اعتصاب آشکار) در افت تولیدات تاثیر داشته است. تعطیل کارخانه های حتی بزرگ در اثر نبود قطعات به کاهش تولید کمک کرده است مثلاً کارخانه فیپور، سازنده لوازم خانگی و فیلکور که هر دو در زمستان ۶۳ بعلت نداشتن قطعات رسماً بعد از ۲۰ روز تعطیل شد (۱)

بعضی از کارخانه ها، مثلاً بعضی از رستورگویی ها و بافندگی ها، با مشکل نداشتن بازار (در مواردی به علت ورود اجناس خارجی مشابه) روبرو گشته اند. اعتبارات ارزی اکثر کارخانه ها محدود و همان مقدار هم معمولاً با اشکال پرداخت میشود. رکود در بازار سیاه (با اصطلاح آزاد) باعث لغزه خوردن به "عاهدات" کارخانه ها شده است. با وجود ثابت نگه داشتن دستمزد کارگران (تا آنجا که برای رژیم مقدور بوده) و حذف آن مقدار از پرداخت به کارگران که برای رژیم امکان داشته و نیز تنزل شدید کیفیت تولیدات بمنظور کاهش مخارج تولید، بعضی از کارخانه ها تنها به مدد بازار سیاه بود که توانستند به سود دخی برسند. رژیم و موسسات تولید و تجارتی (که قسمت اعظم آنها دولتی یا وابسته به دولت است) از طرق مختلف از بازار سیاه سودهای فوق العاده کسب کرده و میکنند مثلاً از طریق فروش مستقیم مقداری از تولیدات در بازار سیاه و یا پیش فروش کردن تولیدات به ترتیبی که منتها قبل از موعد تحویل جنس، خریدار، پول آنرا بایستی به حساب کارخانه و یا موسسه مربوطه واریز و بدین ترتیب کارخانه عملاً با بودجه خریداران

که تولیدات را بمنظور فروش می خریدند، راغب به چنین معاملاتی بودند. زیرا تنها با فروش قسمتی از سهمیه خود در بازار آزاد سود به مراتب بیشتری کسب میکردند. اما رکود در بازار سیاه بر این قسمت از عایدات تاثیر خواهد گذاشت. در این مورد همگان مثال خوبی است. علاوه بر ۳۰ هزار تومانهای معروف رژیم صحر عابدی دیگری هم دارد و آن تخصیص سهمیه به ادارات دولتی است که بسیار بیش از میزان احتیاج آنان است. ادارات دولتی نیز انوموبیل های اضافی خود را به نرخ آزاد به فروش میرسانند و بدین ترتیب دولت تقریباً نیمی از انوموبیل های تولیدی را عملاً به بازار سیاه می فروشد.

۲. نفت و درآمد ارزی رژیم. منبع عمده تامین ارز رژیم در آمد حاصل از صدور نفت است که با افت قیمت آن و مشکلاتی که در امر صدور نفت برای رژیم وجود دارد، در آماروزی دولت کاهش یافته و درآمد پیش بینی شده نامطمئن گردیده و اگر وضعیت خاصی پیش نیاید، کاهش با در بهترین صورت تثبیت قیمت نفت در همین میزان در چشم انداز وجود دارد. بررسی میزان پیش بینی شده و درآمد واقعی رژیم از محل صدور نفت در سال ۶۳ نکات جالبی را روشن می سازد. چنانکه یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع این آمار را ذکر کرد: " سال گذشته - منظور سال ۶۳ - دولت فروش نفت را ۲۳۰ میلیارد تومان پیش بینی کرد، ولی مجلس این رقم را به ۱۸۰ میلیارد تومان کاهش داد. با اینهمه الان که من حرف از رژیم (اواخر اسفند) فروش نفت تا کنون حدود ۱۲۰ میلیارد تومان بوده، یعنی ۶۰ میلیارد تومان کمتر از مقدار پیش بینی شده و معلوم نیست که ما این مقدار را پیش خور کرده ایم. در این یکماه از کجا خواهیم آورد" اگر مشکلات صدور نفت را در نظر بگیریم به غیر از بخشی که طعمه آنتی میشود، بعلت مخارج گوناگون در آمد کمتری عاید رژیم می کند و بعلت فراوانی نفت در بازار، نفت قاچاق رژیم مشتری زیادی ندارد. در بعضی موارد ممکن است رژیم در صدد امتحان سهمیه نفتی بجای سهمیه ارزی برآید و به واردکنندگان پیشنهاد میکند بهمان میزان که دلار لازم دارند، مشتری برای نفت پیدا کنند. صادرات غیر نفتی منبع درآمد ارزی قابل اهمیتی نیست. با توجه به اینکه ما عملاً در این بخش به سال ۶۳ پرداختیم. در حالیکه در سال ۶۴ با توجه به کاهش شدید قیمت نفت و کاهش میزان صدور نفت وضع از این هم برای رژیم بدتر است.

۳. وضعیت تجارت خارجی. در مورد صادرات غیر نفتی عملاً رژیم چندان چیزی برای گفتن ندارد. اما در مورد واردات آمار ارائه شده که معمولاً معتبر نیست، نشان میدهد میزان واردات ده ماهه سال ۶۳ نسبت به ده ماهه سال قبل دارای کاهشی حدود ۲۰ درصد است. کمبود ارز علت اصلی کاهش واردات ذکر شده و در مواردی رژیم اقدام به فسخ معاملات پرداخت شده (اصطلاحاً تلکس شده) کرده است. چه در تولیدات و چه در واردات و فروش آنها " برویای" سال ۶۳ سپری شده است. عوامل ارتجاع معمولاً در رجزخوانی های خود از آمار سال ۶۳ یاد میکنند، اما وقتی پای

مقایسه به میان می آید سال ۶۳ را با دیگر سالها مقایسه می کنند. کاهش واردات هم بر تجارت و هم بر تولید کارخانه ها که در اقلام بسیاری به خارج عموماً امپریالیستها متکی است تاثیر خواهد داشت.

در ماههای آخر سال ۶۳ تراز پرداختهای تجارت خارجی کسری نشان میدهد. ۴. بررسی بودجه رژیم در سال ۶۳ الف. رقم ریالی بودجه سال ۶۳ تقریباً به اندازه بودجه سال ۶۳ است. اگر رقم ادعایی نرخ رشد تورم را ۱۲ درصد هم بپذیریم، لاقلاً میبایستی ۱۲ درصد از نظر ریالی بیش از سال ۶۳ میباید تا میتوانست از نظر مقدار واقعی برابر سال گذشته باشد. از این بابت فشار کمبود بودجه، آن مقدار که صرف پرداخت حقوق میشود، به حقوق بگیران وارد خواهد آمد. اما در مورد بودجه عمرانی و آن قسمت از بودجه جاری که به معارفی غیر از پرداخت ثابت میرسد، کاهش قدرت خرید ریال عملاً به معنای کسر بودجه خواهد بود. ادعای رشد تورمی بودن بودجه برای پنهان نگه داشتن کمبود شدید درآمدها از طرف خود رژیم هم دیگر زیاد تکرار نمی شود. کاهش بودجه رژیم با نرخ تورم ادعایی خود رژیم از این بابت چیزی معادل ۴۰ میلیارد تومان است.

ب. رقم عمده درآمد پیش بینی شده را ارز حاصل از فروش مشکوک نفت تشکیل میدهد که در شرایط فعلی احتمال افت قیمت آن بیش از تثبیت آن است. مشکلات و تلفات و مخارج فوق العاده صدور نفت بعلت شرایط جنگی مسئله دیگری است.

ج. فشار عمده بر حذف خدمات دولتی و با افزایش نرخ آنها و نیز افزایش مالیاتها و عوارض است. افت سطح زندگی توده ها و رخامت بیشتر اوضاع بهداشت و آموزش و پرورش و ۰۰۰۰ و افزایش نرخ خدمات عمومی و آتشی که در اختیار دولت است، پیامد چینی بودجه ای خواهد بود. کاهش شدید بودجه عمرانی باعث افزایش بیکاری میشود. حراج اسواول دولتی نه فقط بمنظور رفع کمبود بودجه، بلکه در جهت رفع کسر بودجه پیش بینی نشده سال ۶۳ و رفع فشار شدید بر سیستم بانکی است. بعضی از موارد پیش بینی شده مانند درآمد مالیاتها و عوارض تا حد زیادی روی کاغذ خواهد ماند. (کسر بودجه علنی که فقط درصدی از کسر بودجه واقعی است، در بودجه سال ۶۴ حدود ۳۵ میلیارد تومان بود که در مجلس ارتجاع بر سر آن کشاکش و درگیری زیاد صورت گرفت.)

د. با در نظر گرفتن مشکلات تامین درآمد مالی دولت و کسر بودجه رسمی (مدون وارد شدن در سایر موارد) وضع بودجه سال ۶۴، حتی روی کاغذ هم اسفناک بود. در بحثهای مربوط به بودجه سال ۶۵ در مجلس ارتجاع این موضوع بوضوح چشم می خورد.

۵. تولید و معاملات خرد و موارد مشابه. بازار را که است، بعضی از معاملات تقریباً متوقف شده است (مثل فرش) و در سایر موارد دارای افت چشمگیری است، بخش ساختمانی که از عرضه های عمده فعالیت سرمایه خصوصی و سرمایه های کوچک است، دچار

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

نتیجه - رژیم ضد خلقی خمینی کلیه درآمدهای ملی را صرف جنگ و سرکوب کرده و هر روز بر وخامت وضع کارگران و زحمتکشان و توده‌های محروم و حنسی اقشار سیاسی می‌افزاید. درآمد حاصل از نفت به‌عسل پاشین آمدن قیمت نفت و نیز کاهش صدور نفت از طرف دیگر، وضع ارزی رژیم را با مشکل بی سابقه‌ای روبرو کرده است. نتیجه چنین وضعیتی کاهش هر چه بیشتر تولیدات، افزایش بیکاری، افزایش فقر و بی‌خانمانی برای مردم است. رژیم خواهد کوشید تا کمبودهای مالی خود را با فشار بر مردم جبران کند. گرایش اصلی اقتصاد در جامعه ایران، رکود تولید همراه با لا رفتن تصاعدی قیمت هاست. در چنین اوضاعی خطر فلاکت مردم ایران را هر چه بیشتر تهدید میکند. مردم ایران برای خلاصی از این وضع راهی جز سرنگونی انقلابی رژیم خمینی نخواهند داشت.

نیروهای انقلابی مقاومت با تکیه بر قهر انقلابی و سازماندهی مردم باید بسمت قیام مسلحانه تنوده ای گامهای استوار و پزظین خود را بردارند. با هیچ معجزه‌ای وضع اقتصادی رو به بهبود نخواهد گذاشت. عامل اصلی فلاکت رژیم خمینی، پشاه نماینده جنگ و سرکوب است. باید این عامل را از جلوی راه رشد جامعه برداشت.

زیر نویس:

(۱) - مساله تعطیل کارخانه‌ها و اخراج‌های دسته جمعی بیک مساله مهم جامعه ایران تبدیل شده است. در این رابطه لزوم تدوین سیاست مشخص و طسرح خواسته‌های مبین و تعیین شکل عملی برخورد به این موضوع و تبلیغ حول آن از اهمیت بسیار برخوردار است. اگر نیروهای انقلابی مقاومت بتوانند با این مساله بطور مناسب برخورد کنند، این مساله میتواند نقطه حرکتی برای پیشبرد جنبش باشد. اما در غیر این صورت فرصت مناسبی از دست داده خواهد شد. باید این مساله را درک کرد که صرف بحران، فقر، بیکاری و تهیدستی، هرگز بدون وجود ملزومات دیگر منجر به انقلاب نخواهد شد، بلکه ممکن است به فلاکت، نکبت یا بدختی و سیه روزی عمومی منجر گردد. اگر تعطیلی کارخانه‌ها و اخراج دسته جمعی در سطح وسیع پیش بیاید و نیروهای انقلابی مقاومت نتوانند مقاومت را سازمان داده و این امر را به تحریک‌های علیه رژیم تبدیل کنند، رژیم آنرا به تحریک دیگر برای سرکوب و تحت فشار گذاشتن هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان تبدیل خواهد کرد.

تعاملات و مقدرات است، باعث بی ثباتی وضعیت کشاورزی و کشاورزان شده است. تغییر سیاستهای رژیم در مواردی مثل برونج کاملاً بر وضع عمومی اثر می‌گذارد. وضعیت ارزی و واردات ماشین آلات، کم کود و داروهای نباتی و دامی ۰۰۰۰ بر وضعیت کشاورزی تاثیر شدیدی دارد. بعضاً در جریان تصفیه حسابهای سیاسی باندهای ارتجاع، وخامت بعضی از رشته‌های کشاورزی مثل پنبه و زنبورداری افشاء میشود. در مواردی رژیم با اتخاذ سیاستهای به اصطلاح شو-بقی اقدام به فروش موتور سیکلت و با وانت به قسمت دولتی در ازای تحویل مقدار معینی محصول میکند که این روش باعث رونق دلالی و رونق کار سلف خرها میشود. سبل هجوم روستائیان به شهرها میتواند وضعیت کشاورزی و کشاورزان را بخوبی نشان دهد. (خشک سالی‌های سال ۶۳ در چندین استان لطومات شدیدی به تولیدات کشاورزی زد) با ایشمه وضعیت کشاورزی و بخصوص موقعیت اشتغال دارندگان در این بخش (کارگران کشاورزی، نیمه پرولترها، دهقانان کم زمین و خرده مالکین و بقیه) ضمن اینکه محتاج بررسی بیشتری است، اما از هم اکنون گرایش آن به وخامت و فقر روشن است.

۷- وضعیت اشتغال - بطوریکه ملاحظه شد، نقطه نظر ما در این مقاله بررسی وضع تولید و مبادله و گرایش بحران و وخامت آن بود و نه وضعیت تولید کنندگان (کارگران و زحمتکشان). اما لازم است به جهت وضعیت اقتصادی به مسئله اشتغال پرداخته شود. درست است که سیستم سرمایه‌داری به ارتش ذخیره کار احتیاج دارد. اما نسبت بیکاران بوجال حاضر به کل افرادی که در سنین کار هستند، بسیار بسیار است و کاملاً طبیعی است که در این مورد نیز رژیم آمار درستی ارائه ندهد. اما بررسی و تجارب شخصی چنین امری را به روشنی نشان میدهد که بیکاری به صورت بیک امر بسیار وسیع در جامعه است. بیکاری استفاده برای بیک نفر باعث مراجعه تعداد کثیری افراد آماده بکار میشود که به ناچار و متاسفانه حاضرند در رقابت با یکدیگر مزد کمتر و شرایط سخت تری را بپذیرند. تعداد زیادی از بیکاران به مشاغل موقتی و نامطمئن و اتفاقی اشتغال دارند. دست فروشیها و باطیها که با رژیم بطور مرتب در کشاکش هستند از این نمونه هستند. بجز بیکاری پنهان که در مشاغل چون کشاورزی همواره وجود داشته (و اکنون رکود بازار تولیدات مانند فرش بدان شدت می‌بخشد) اشتغالهای کاذب جدیدی بخصوص در ارتباط با سیستم گسترده بازار سیاه ایجاد میکنند که با وضع فعلی بازار به اصطلاح آزاد کاملاً دستخوش تغییرات خواهد شد. بعضی اوقات رژیم در مدد توجیه بیکاری بکمک وجود تعداد زیادی اتفاقی در سنین کار بر می‌آید تا سیاستهای ارتجاعي خود را پرده پوشی کند و در همان حال از وجود آنان بعنوان تهدید دائمی جهت کاهش دستمزدها استفاده میکند. کاهش بودجه عمرانی رژیم که فرار است نه فقط پروژه جدیدی شروع نشود، بلکه پروژه‌هایی که تا ۲۵ درصد آن انجام شده است نیز متوقف شود. بر تعداد بیکاران خواهد افزود

رکود شده. در این وضعیت بازار نامطمئن و خرابد و فروش با احتیاط و در حجم بسیار کم صورت می‌گیرد. بنظر میرسد سیستم دلالی برای خرده باها به روزهای پایانی خود نزدیک میشود. بررسی مبادلات در بازار به اصطلاح آزاد در اوائل پائیز ۶۳ نشان داد که قیمت اکثر اجناس در بازار آزاد نسبت به سال پیش به تفاوت از حدود ۲۰ درصد و در بعضی موارد تا ۱۰ درصد کاهش یافته در حالیکه قیمت‌های رسمی در بیشتر موارد افزایش داشته. اجناس مذکور طیف وسیعی از لوازم و افزار صنعتی و وسایل بدکی اتوموبیل و وسایل خانگی و بعضی از لوازم ساختمانی و... را شامل میشد. علاوه بر آن حجم معاملات و خرید و فروش شدت کاسته شده بود. وضع قیمت‌های بازار سیاه محتاج به بررسی مجدد است. اما رکود در معاملات همچنان وجود داشته و بازار راگد است. ورشکستگی عمومی دلالان خرده‌ها، گرچه به روشنی مشاهده نمیشود، اما ضرر دامن آنها امری غیر عادی نیست. این موضوع درهم ریختگی اقشار مختلف را تعدیل کرده و جامعه را بسمت پول‌پرزه شدن بیشتر سوق می‌دهد. "تولید خرد" و وضع نامطمئن و متغیر بازار در این قسمت تاثیر محسوسی داشته. مخصوصاً تولیداتی که در رقابت با واردات مشابه خارجی قرار گرفته‌اند. موقعیت کاملاً نامطمئن دارند. بعنوان نمونه خلاصه چهار گزارش راجع به وضع چهار تولید کننده، بشقاب فلزی، واشر، قاشق و چینی نشان می‌دهد که فعلاً در حالیکه تولید خود را متوقف کرده‌اند، هنوز برای اجناس تولید شده مشتری ندارند. در همین رابطه قیمت ابزار تولید و بخصوص بعضی از آنها (دستگاه پرس) تقریباً نصف شده است. تولید کنندگان کوچک که دارای تولیدات در رقابت با کالاهای خارجی هستند، بخصوص به علت حجم زیاد واردات در سال ۶۲ بازار خود را از دست داده‌اند. در مورد بعضی دیگر از تولید کنندگان (تولید پوشاک) رقابت خارجی اثر کمتری داشته و بنظر میرسد کاهش قدرت خرید باعث رکود کار آنان است. بخش ساختمانی شایان توجه ویژه است، با در نظر گرفتن سهم بزرگ این بخش در بخش خصوصی و نیز کل فعالیت‌های اقتصادی و تعداد کارگران و کارکنان آن رکود با رونق این قسمت تاثیر مشخصی در سایر بخش‌های اقتصادی خواهد داشت. ممکن است دولت در مدد اتخاذ سیاست‌هایی جهت تحرك دادن به این بخش برآید. اضافی که به توزیع اشتغال دارند، لباس فروشیها و بافها و... همان وضعیتی که در بالا راجع به بازار ذکر کردیم در مورد ایشان هم صادق است. تغییر سیاستهای رژیم در مورد سهمیه بندی اجناس برای مشاغل تاثیر محسوسی خواهد داشت.

۶- کشاورزی - این رشته بشماه جزئی از کل تولید جامعه، متأثر از وضعیت عمومی اقتصاد و به نوبه خود مؤثر بر آنست. به لحاظ چگونگی تولید در این رشته، برای اظهار نظر احتیاج به زمان و اطلاعات بیشتر است. سیاست ارزی رژیم که همچنان دستخوش

بقیه از صفحه ۸

در زندانهای...

تواب برایشان گذاشتند و این اولین مرحله شکل گیری جریان توأبید در بوکان بود. به جرات می‌توان گفت که از تعداد فوق الذکر تنها حدود پنج نفر تن به خیانت آشکار داده بودند. رژیم از این افراد نهایت استفاده تبلیغی را می‌کرد، توسط همین افراد بیک دسته دیگر حزب در تبریز لو رفت.

! ادامه دارد.

اخبار کوتاه

داخلی:

خمینی جنگ افروز روز ۴ فروردین طی بیك سخنرانی در حضور سران رژیم با هم به سیاست جنگ افروزانه خود تاکید نمود و اقرار کرد که جنگ را میخواهد تا سقوط دولت عراق ادامه دهد. وی مخالفان جنگ را بشدت مورد حمله قرار داد و وحشت و هراس خود را از جنبش صلح طلبی مردم ابراز نمود و تاکید کرد که باید به جبههها بروند و وی با وقاحت اعلام نمود که " هر کس میتواند باید بسه جبهه برود و هر کس نمیتواند باید پشت جبهه شرکت کند ". بدنبال این سخنرانی وزارت کشور در روز ۵ فروردین طی اطلاعیه‌ای به استانداران، فرمانداران و بخشداران مزدور رژیم دستور داد تا وسائل لازم را برای بسیج ضد خلقی جهت جبههها آماده کنند. موسوی خاغن نخست وزیر رژیم در روز ۶ فروردین در مجلس ضد خلقی ارتجاع اعلام نمود که دولت اولویت کامل به جنگ داده و در کلیه ادارات کمیته‌های پشتیبانی از جنگ ایجاد نموده است. سپاه پاسداران خمینی نیز ضمن اطلاعیه‌های متعدد از زمان و مردان خواسته است که در بسیج شرکت کنند.

رژیم خمینی که در بن بست جنگ با بن بست بسیج نیرو نیز مواجه است، میخواهد با شدت دادن فضای اختناق آمیز کشور و ایجاد شرایط روانی بسود جنگ شکستهای خود در جنگ و کمبود نیروهایش را لاپوشانی کند.

خارجی:

کنفرانس ۹ روزه وزیران نفت کشورهای عضو اوپک روز ۴ فروردین بدون موفقیت در پابین آوردن میزان تولید نفت بکار خود خاتمه داد. بدنبال این شکست، قیمت نفت در بورس نیویورک به بشکتهای ۱۰ دلار کاهش یافت. لازم به تذکر است که کشورهای عضو اوپک مجموعا ۱۷ میلیون بشکه نفت در روز تولید میکنند که این مقدار حدود ۳۰ درصد کل تولید روزانه نفت در سطح جهان است. ۵۰ کشور مکزیک، مصر، سائری، انگولا و عمان که عضو اوپک نیستند نیز مجموعا ۴/۵ میلیون بشکه نفت که حدود ۱۰ درصد کل تولید نفت در جهان میشود، تولید میکنند. نروژ و انگلستان روزانه بیش از مجموع کشورهای عضو اوپک (بدون احتساب عربستان سعودی) نفت تولید میکنند. علاوه بر آن اتحاد شوروی، چین و آمریکا نیز از تولید کنندگان سهم نفت در جهان هستند. بنا به گزارش خبرگزاریها یکی از مهمترین عللی که باعث عدم موفقیت اوپک گردید، جنگ ایران و عراق است و این نشان میدهد که سیاست جنگ افروزانه رژیم خمینی تا چه حد به ضرر کشورهای عضو اوپک تمام میشود.

ابو ایاد معاون باسرعراقات در ۲۴ مارس اعلام نمود که جمهوری اسلامی ایران تلاش میکند تا در جنوب عراق بیك کشور مست نشاند خود بوجود آورد.

وی گفت حتی بيك فلسطینی در صفوف ارتش عراق نمی‌جنگد. زیرا دولت عراق از ساف جنبش درخواستی نکرده است. وی اضافه نمود که در صورتیکه جنگ به کشورهای عربی توسط ایران توسعه یابد، فلسطینی‌های ساکن این کشورها به دفاع از کشورهای عرب خواهند پرداخت. اتحاد عرب نیز در روز ششم فروردین امسال، سیاست جنگ افروزانه رژیم خمینی را محکوم و خواستار صلح بین دو کشور گردید.

روزنامه گرانما چاپ کوبا در شماره روز ۱۶ مارس ۱۹۸۶ خود گزارش داد که فیدل کاسترو رهبر حزب و دولت کوبا، پس از تروژ اولانف پالمه در سفارت سوئد در مسکو حضور یافت و دفتر یادبود پالمه را امضاء نمود. وی در همین محل با خبرنگاران مصاحبه نمود. در مورد نقش احزاب سوسیال دمکرات و سوسیال دمکراسی اروپا گفت " سوسیال دمکراسی بيك رابطه همبستگی و جانبدارانه با کشورهای آمریکای لاتین در مبارزه آنها بخاطر حل بحران اقتصادی و بخصوص در رابطه با قرشهای خارجی نشان داده است " وی در جواب اینکه آیا خط سوسیال دمکراسی میتواند در امریکای لاتین رشد کند؟ گفت بسیار مشکل است زیرا امریکای لاتین و اروپا در جهان بسیار متفاوت هستند. اروپا بيك جهان پیشرفته با اقتصاد صنعتی بزرگ و توسعه اجتماعی است در حالیکه امریکای لاتین با شام بتواند با تروژ وسطای اروپا مقایسه کرد و من نمیدانم که سوسیال دمکراسی در آن شرایط میتواند بکار گرفته شود.

رفیق کورباچف در تاریخ ۲۹ مارس، طی بیك سخنرانی تلویزیونی اعلام نمود که حاضر است بیك ریگان در بيك کشور اروپایی ملاقات کند و در مورد قطع کامل آزمایشات هسته‌ای با وی به تفاهم برسد. کشور شوروی بنا بر مهلت بکجانهای که بمناسبت چهلمین سالگرد انفجار هیروشیما اعلام شده بود (۶ اوت ۸۵ تا ۳۱ مارس ۸۶)، آزمایشات هسته‌ای خود را متوقف نموده بود. همچنین وی گفت چنانچه ایالات متحده برنامه‌های انفجارات هسته‌ای خود را قطع کند، مهلت مذکور بمدت نامحدودی تعدیل خواهد شد. در پی این پیشنهاد در تاریخ ۳۰ مارس ریگان رئیس جمهور آمریکا، پیشنهاد کشور شوروی را در مورد ملاقات و مذاکره جهت قطع کامل آزمایشات هسته‌ای رد کرد.

در تاریخ دوشنبه ۱۲ آوریل ۸۶ امریکاسکا با ۱۰ هواپیمای بمب افکن که از کشور انگلیس به پرواز درآمدند به لیبی حمله کرده است. در این حمله که به پایتخت و یکی دیگر از شهرهای لیبی صورت گرفت حدود ۲۰ نفر از مردم کشته و دو تن از فرزندان مسمر قذافی زخمی شدند. همچنین خسارات فراوانی بر جای گذاشت.



به گزارش نشریه مجاهد، بيك مجاهد خلق بنام پرویز حق گذار در بهمن سال ۶۳ توسط مزدوران خمینی در زندان اوین به شهادت رسیده است. خبر شهادت وی را اسامیل به خانواده‌اش اطلاع داده‌اند.

شبنامه‌های مقاومت

توضیح: این اعلامیه توسط رفقا در تهرات تکثیر و به تعداد ۱۰۰ عدد بخش شده است.

وابستگی روز بروز بیشتر میشود

علیرغم گذشت ۶ سال از سرنگونی رژیم پهلوی، تنها بندهای وابستگی به امپریالیسم قطع نشده‌اند، بلکه به یمن خیانت و سرسپردگی رژیم ارتجاعی خمینی روز بروز محکمتر و بیشتر نیز میشوند. بيك نمونه از این افزایش وابستگی از خلال اعترافات مرکز آمار ایران بر ملا شده است. این مرکز در گزارشی که در روزنامه کیهان مورخ ۲۵ آبان ۶۴ به چاپ رسیده است، مینویسد " بررسی در صد افزایش مواد خام و اولیه خارجی مصرف شده به کل مواد اولیه مصرفی در کارگاههای صنعتی تحت مدیریت بخش عمومی در سال ۶۲ نشانگر آنست که ۵۵/۷ درصد از مواد اولیه و خام مصرف شده را مواد خام و اولیه خارجی تشکیل داده است که در مقایسه با سال گذشته ۵ درصد افزایش را نشان میدهد."

یکی از کاشانهای اصلی وابستگی به امپریالیسم اتکا به مواد خام و اولیه است که از آنها تامین میشود. امپریالیستها برای در بند نگهداشتن کشورهای وابسته، منابع داخلی (که عموما از نوع مونتاژ میباشد) را بگونه‌ای طرح ریزی میکنند که ضمیمه محتاج به وارد کردن مواد اولیه از کشورهای امپریالیستی باشند و از این طریق وابستگی امپریالیسم حفظ شود.

انقلابی که حقیقتا مردمی و متکی به آسامل استقلال طلبانه خلقها باشد، در درجه اول باید بنا اقدامات قاطعانه و انقلابی علیه این بندها را پیاده کند و با تکیه بر نیروی خود بيك اقتصاد مستقل و سالم و پویا را پایه ریزی نماید. اما همانگونه که از همین اعتراف کوچک نیز بر میآید رژیم خمینی نه تنها چنین نکرده است، بلکه هنوز بخش اعظم مواد اولیه کارخانجات را از کشورهای امپریالیستی تامین میکند و این واردات نه تنها سیر نزولی ندارد بلکه بقیه در صفحه ۸

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه دالخیس

گزارشاتی از...

بقیه از صفحه

تدریج در شمارهای مختلف نبرد خلق، اقدام به انتشار آن می‌کنیم. لازم به تذکر است که تنها در مواردی که احتیاج به تصحیح املاش یا انشایی وجود داشته باشد، بدون اینکه مضمون گزارش تغشیر کند، ما تغشیراتی در گزارش می‌دهیم. این گزارشات بر اساس طرح زیر که توسط رفیق هوادار سازمان تنظیم شده نوشته شده است.

- ۱ - برخورد مردم نسبت به، الف - جنگ، ب - حکومت ج - نیروهای انقلابی
 - ۲ - وضعیت اقتصادی - شامل اقتدار و طبقات مردم میانه حال و مرفه
 - ۳ - وضعیت فرهنگی - شامل مطبوعات، رادیو، تلویزیون، نشریات، روزنامه و کتب
 - ۴ - چگونگی وضع اجتماعی - شامل فساد فرهنگی و اداری، اعتیاد، جرم‌های جنایی
- با تشکر از این هم میهنان مبارز، ما از تمامی هم میهنان مبارز و مقاوم می‌خواهیم که با ارائه گزارش، خبر و... از اوضاع ایران و جهان با مساعدمکاری و ما را در سرنگونی رژیم خمینی مساعدت نمایند.

گزارش اول لاهيجان

با سلام و درود فراوان به شما دوستان و عزیزان که در تلاش هستید برای نابودی تاریکها - فسادها و اختناقها و غیره ۰۰۰ و جایگزین کردن نظامی نوین بر پایه آزادی واقعی که خودتان بهتر از من میدانید که چه خونبهای برای بدست آوردن این کلمه زیبای آزادی داده‌اند. دوستان، شماها که دارای هر مسلك و مرامی هستید، چونکه در این تلاشید که ایرانیان را از جنگال دژخیمان نجات دهید - من از راه دور دست شماها را می‌نشارم و برای شما آرزوی موفقیت را دارم.

عزیزان من از شهری و از مردم شهری برای شما خواهم گفت، از شهر لاهیجان که در این شهر سر سبز شهیدانی از جمله هوشنگ نبیری ها و شما ظریفی ها از سازمان چریکهای فدایی خلق و خانواده‌های ملاء کوشالی‌ها و خانواده‌های محمد نژادها و غیره از سازمان مجاهدین خلق و دیگر شهیدان - این شهیدان که روحشان شاد، همه از افتخارات شهر لاهیجان هستند - امیدوارم خون این شهیدان بهار آزادی را برای تمام توده‌های ایران به ارمغان بیاورد.

(۱) - الف: در مورد روحیه توده‌ها

از نظر برخورد مردم در رابطه با جنگ باید گفت مردم از خودشان سوال می‌کنند که جنگ برای چی؟ آیا ما جنگ می‌کنیم که به اصطلاح انقلاب اسلامی را به کشور عراق صادر کنیم - کدام انقلاب را، همین انقلاب اختناق را به کشور عراق صادر کنیم. و از حکومت می‌شنوید که اسیر می‌دهیم که ما مردم عراق را آزاد خواهیم کرد. و از این چرندیات واقعا مردم ایران خسته شده‌اند. و دیگر آن ترس را ندارند که در خفا علیه رژیم حرف بزنند و دیگر آن سالهای ۶۱

گذشته است مردم عملا از جنگ انتقاد می‌کنند و از نابسامانیهای زندگی خود شاک می‌کنند و از فشارهایی که به توده‌های مردم وارد می‌شود در عذاب و رنج هستند و به دنبال چرت‌های می‌گردند که با آن آشفتگی شوند و تمام کاج ستم و ظلم را به آتش کشند. امید آرزو.

(ب) - دید مردم با گروههایی که حامی رژیم هستند از جمله سپاه - بسیج و جهاد و انجمن‌های اسلامی یکه برخورد منفی می‌باشد. مردم دانسته‌اند تنها همین گروهها هستند که رژیم را تا بحال سر بسا نگه داشته‌اند و با زوری حکومت، گروه مسلح رژیم (سپاه - بسیج) می‌باشد. این گروه‌ها چون منافع خود را در این می‌بینند که با حمایت کردن از حاکمیت چند صباحی بتوانند از منافع مادی خود برخوردار شوند. باید خاطر نشان کرد رژیم برای قوی کردن بنیه نظامی در زمانی که اگر قدرت نظامی که همان گروههای ارتجاعی باشند دچار کمبود شوند از پناهندگان افغانی برای سرکوبی نیروهای انقلابی و مردم استفاده خواهند کرد. علت این فکر از اینجا ناشی میشود که رژیم با این همه گرفتاریهای اقتصادی که دارد و همچنین جو مخالفی از نظر مردم ایران در برخورد با افغانها موجود است - چطور شده است که نزدیک به دو میلیون پناهنده افغانی را زیر پوشش خود گرفته است. اگر يك طرف قضیه این باشد که به این طریق بتوانند به حکومت افغانستان ضربه بزنند و طرف دیگر قطعه این است که رژیم زمانی بعنوان مزدور از این افغانها استفاده خواهد کرد. چون در حال حاضر گروههای زیادی از افغانها در شهرهای مختلف توسط سپاه و بسیج مورد تعالیم جنگی قرار گرفته‌اند. و بی خود نیست که حکومت این همه سرمایه گذاری در این مورد کرده است.

(ج) - در مورد اعدام نیروهای انقلابی

این مسلم است رژیمی که حکومتش بر مبنای اختناق و جعل باشد در برخورد با نیروهای انقلابی و همچنین برای بقای خود نه تنها این مبارزان را اعدام خواهد کرد بلکه این عزیزان را مورد شکنجه‌های وحشیانه خود قرار می‌دهد. بطور مثال در اواخر سال ۱۹۸۵ د و مبارز ایرانی که توسط رژیم مورد شکنجه قرار گرفته بودند در سازمان ملل افشاگری نمودند و چند هفته بعد سازمان ملل حکومت ایران را بعلت نقض حقوق بشر محکوم کرد. حالا چه باید کرد با برخورد با این نیروهای ارتجاعی تا دندان مسلح به غیر از این است که با کارهای انقلابی که خود می‌دانند (همان سازمانهای انقلابی) باید توده‌های مردم را به حرکت درآورد تا به این طریق بتوان مردم را مسلح کرد.

۲ - وضعیت اقتصادی

از نظر اقتصادی باید گفت، اقتصاد ایران در فشار دو نظام فاسد قرار گرفته است.

الف: نظام غلط اقتصادی در زمان شاه خاش که با تک محصولی کردن اقتصاد ایران که همان نفت باشد. به جای این که می‌باید بوسیله نفت زیر بنای اقتصاد را بسازد، با آوردن صنعت مونتاژ تمام صنایع را

وابسته به کشورهای بیگانه کرده بود. و آن وضع فلاکت باری را بوجود آورد که شاهدش بودیم. که به علت نابسامانیهای اقتصادی، مردم روستاها را خالی و به شهر پناه آورده که با کارهای پنهان خود بتوانند خودشان را سر پا نگهدارند.

(ب) - در حال حاضر اگر سیاست اقتصادی رژیم خمینی را در کل مورد بررسی قرار دهیم، من فکر می‌کنم از حوصله این مبحث خارج باشد. پس در اینجا وضع اقتصادی توده‌های مردم ایران را بصورت عام مورد بررسی قرار می‌دهیم. با استخراج بی رويه طلای سپاه برای تامین هزینه‌های جنگ که خیانتی بزرگ به نسل آینده ایران می‌باشد. و همچنین بدعت ورشکستگی اقتصادی در آینده خواهد شد. مردم تهیدست ایران فکر می‌کردند با این انقلاب، دیگر از فقر اقتصادی نجات پیدا خواهند کرد. این جمله از رهبر کذایی که سگر شماها برای شک انقلاب کردید، تمام آرزوهای زحمتکشان را به باد داد. با شنیدن این کلمه مردم گیلان به باد ضرب المثل گیلانی افتادند که می‌گفت، از این کنده دود بر نخواهد خواست. (یعنی از این چوب خشک دود بر نخواهد آمد) و هم چنین رژیم برای حمایت از نیروهای ارتجاعی خود دست به تاسیس به اصطلاح شرکتیهای تعاونی زده است من مخالف با اصل شرکتیهای تعاونی نیستم ولی تعاونیهایی که حاکمیت درست کرده است، تعاونی نیست، بلکه فساد خانه است.

چون واسپای بدون بهره دولتی فقط شامل پسران و فاسلهای حاکمان محلی خواهد شد. با پول مردم تهی دست فروشگاهها را تاسیس می‌کنند و این فروشگاهها هیچ نوع محدودیتی در عرضه کالاها ندارد یعنی هر نوع جنسی می‌توان عرضه کرد، آنهم بصورت دست اول که فقط شامل همین فروشگاهها میشود.

باعث می‌شود که کسبه جزء نتواند با این تعاونیها به رقابت برخیزد و در نتیجه ورشکسته خواهند شد. همچنین بعلت برابر نبودن عرضه و تقاضا، اجناس به قیمت بالا بدست طبقه متوسط و کم درآمد میرسد. و در نتیجه برای این گروه از افراد جاسه دچار اشکال خواهد کرد. این است جزئی از اقتصاد مردم ایران

(۳) - وضعیت فرهنگی:

هر رژیم فاسدی برای سرپوش گذاشتن بر کارهای غلط خود بوسیله تبلیغات، بصورت سمعی و بصری که در اختیار دارد، می‌خواهد خودش را انقلابی نشان دهد و می‌کوشد بدین وسیله نیروهای انقلابی را بگوید و همچنین مطبوعات نقش اساسی برای رژیم بسازی می‌کنند. بطور کلی چون تمام رسانه‌های گروهی توسط سیستم خاصی اداره میشود، و با نظارت شدید انجمن‌های اسلامی که در داخل رسانه‌های گروهی است نخواهد گذاشت افراد آگاه انقلابی که در رسانه‌ها موجود است بتوانند بوسیله قلم خود توده‌ها را آگاه نمایند. پس بطور کلی تمام ارگانهای تبلیغاتی رژیم برای توده‌ها مضر میباشد. برای مقابله کردن با رسانه‌های رژیم باید نیروهای انقلابی در داخل ایران بوسیله شب‌نامه‌ها و اعلامیه‌های انقلابی و در

بقیه در صفحه ۸

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری

مطبوعات خارجی

ایران در حال حاضر

منبع: هفته نامه شوروی "عصر جدید"

تاریخ: ژانویه ۱۹۸۶

نویسنده: و. کمارف

نسیبا اخبار کمی در مورد ایران به خارج راه پیدا می‌کند. و همین مسئله موجب جالبتر بودن وضعیت این کشور میشود.

انتخاب جانشین

ناظران سیاسی، به مسئله انتخاب جانشین (فتیه) برای آیت‌الله خمینی در وضعیت سیاسی ایران اهمیت بسیار قائلند. جانشین وی یعنی آیت‌الله حسینعلی منتظری تا بحال بعنوان جانشین غیر رسمی خمینی محسوب میشد. واقعتاً اینستکه همانطور که "نیویورک تایمز" نیز اشاره کرده، هیچگونه نشانه‌ای دال بر کنار کشیدن آیت‌الله خمینی که ۸۵ سال دارد، از صحنه سیاست کشور وجود ندارد. آژانس خبری ایران (ایرنا) گزارش داد که کاندیداتوری منتظری بوسیله مجلس خبرگان، بعنوان رهبر عالی حکومت تأیید شده است و علی‌الکلی هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس نیز این انتخاب را تأیید نمود.

دولت ایران شایعات مبنی بر بدتر شدن وضع سلامتی آیت‌الله (خمینی) را تکذیب نمود، و سه همین مناسبت تلویزیون ایران ملاقات خمینی با یک گروه از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی را به نمایش گزارده. در آخرین روزهای سالی که رو به اتمام بود، (منظور سال مسیحی است - مترجم) خمینی فرماندهی نیروهای مسلح را در جلسه‌ای ملاقات نمود.

منتظری به مجلس خبرگان نامه‌ای فرستاد که در آن نوشته شده: "برای امام آرزوی طول عمر دارم" و نیز، که توجیح میدهد مقام وی (خمینی) را اشغال نکند، و همچنین از هوادارانش خواست، از تظاهراتی در حمایت از این انتخاب صرف نظر کنند. بعضی از رهبران شیعی این انتخاب را قبول ندارند زیرا معتقدند که منتظری دارای "فضایل لازم برای رهبری عالی کشور" نیست.

به اعتقاد روزنامه "لوموند"، مبارزه پشت پرده برای جانیشینی خمینی، منعکس کننده اختلافات بین گروه‌های مذهبی (روحانیت) در قدرت می‌باشد. "لوموند" می‌گوید: "تعمین رسمی آیت‌الله منتظری به‌شابه جانشین آینده خمینی، موجب قدرت بخشیدن به جریان موسوم به رفرمیست‌های رادیکال که مورد حمایت هاشمی رفسنجانی و اکثر رهبران سپاه پاسداران هستند، خواهد شد."

کدام هنگام درست اندیشی غالب خواهد شد؟

نعمت اعظم پاسداران همراه ارتش در جنگ با عراق، که تا بحال پنج سال طول کشیده، درگیر هستند. خط جبهه (درگیری) بطور اساسی در نواحی مرزی می‌باشد، و در قسمت نیز، نزدیک به خاک

عراق در شرق رودخانه دجله "است. وضعیت در آنجا، بنظر میرسد که دارای هیچگونه راه حل‌سی نیست. اخیراً ایران دست از تانک‌های حمله بوسیله "امواج انسانی" کشیده است، و بصورت درگیری‌های محدود با عراق مواجه میشود. این ساله موجب کاهش بسیار گشته شدگان شده است. (آمریکا) در اواخر دسامبر گذشته گزارش داد که ایران دوباره، "دست به تمرکز قوا زده است که احتمالاً برای انجام یک تهاجم جدید است." روزنامه انگلیسی "ابروز" () می‌نویسد:

"گروه‌های سیاسی و نظامی رهبری ایران در حال بحث بر سر استراتژی جنگ با عراق هستند. البته بحث بر سر این نیست که جنگ را ادامه دهند یا نه، بلکه بر سر این است که چه موقع باید تهاجم علیه عراق را شروع نمایند، الان یا در بهار." بطور مثال سرهنگ (صیاد) شیرازی فرمانده نیروی زمینی، در کیهان تهران اعلام نمود که عملیات محدود "کاسی نیستند" و اینکه "فقط یک تهاجم جدید می‌تواند موجب پیروزی گردد." اخیراً، بعضاً رهبران رژیم پهلوتگی خویش را به "خط امام" بیان کردند، که به معنی ادامه جنگ "تا پیروزی" است. مطبوعات صحبت از بسیج مردمی و رفتن گروه‌های جدید "داوطلب" به جبهه‌ها می‌کنند. بر حسب ارقام رسمی، ایران یک سوم بودجه خویش را اختصاص به جنگ داده است. "لوفیکارو" می‌نویسد، که فقط بصورتاً از خارج، ماهیانه ۲۵۰ میلیون دلار صرف جنگ می‌شود. چگونه میشود دلار را با تلفات جانی ارزیابی نمود؟ جندی پیش‌گویی از نمایندگان مجلس بنام سعید حسینی با گفتن اینکه در جنگ ۳۰ هزار نفر کشته، معلول و ناپدید شده‌اند و حتی خوردن آن نیز مستقیماً از مدرسه به جبهه‌ها فرستاده شده‌اند. مرگی از آشوب بر پا کرد. ۴۰۰ هزار نفر اسیر شده‌اند، علاوه بر این جنگ موجب آوارگی سه میلیون نفر شده است.

اتحاد شوروی بیش از یک‌دهه، موضع مخالف خویش را در قبال جنگ ایران و عراق اعلام نموده است. و طرفدار قطع نیروی جنگ، و حل‌مخاصه بر مبنای پایه‌های عادلانه برای طرفین درگیری می‌باشند. در دسامبر سال گذشته آنر - گرومیو اعلام نمود: "ما معتقدیم، کسانی که شعار جنگ - جنگ تا پیروزی سر میدهند، نادانی خویش را بنمایش می‌گذارند." اتحاد شوروی معتقد است که ادامه جنگ تنها موجب تضعیف طرفین نیروی شد امپریالیستی آنان میشود، بلکه علاوه بر آن موجب وخامت جدی وضعیت خلیج فارس و بیشتر شدن خطر دخالت مستقیم امپریالیسم در امور کشورهای منطقه خواهد شد.

نایب‌امنیهای جنگ

جنگ مشکل بسیار بزرگی برای اقتصاد ایران می‌باشد. بعثت نابودی بنادر در مناطق نفتی، صادرات نفتی ایران از ۲/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۷۹ به یک میلیون و نیم در حال حاضر کاهش پیدا کرده است. پشتوانه ارزی ایران کاهش یافت و در نتیجه سوسید دولتی بر واردات مواد مورد مصرف احتیاجات اولیه نیز کاهش پیدا کرد. چند ماه پیش

"اشپیکل" آلمانی نوشت: "برای ایرانیان افزایش در صد تورم و کاهش سطح زندگی انتظار می‌رود، در سال ۸۵ سطح تورم از ۵۰٪ در صد گذشت." بعد از انقلاب ضد سلطنتی مسائل اجتماعی و اقتصادی، کمی تغییر یافتند ولی هیچگونه تغییری به نفع زحمتکشان وجود نداشته است. زمینهای تحویل داده شده به دهقانان در سال اول انقلاب به مالکان سابق آنها بازگردانده شده و بسیاری از شرکت‌های صنعتی ملی شده در اوائل انقلاب، مورد استفاده صاحبان قدیمی یا جدید آنها گشته‌اند. تمام این مطالب را محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران جندی پیش در دانشگاه تهران، با گفتن: "کاری که انجام می‌دهیم این است که ما فقط با لای (سر) سیستم قدیمی هوادار آمریکا را نابود نکنیم، یعنی نمایندگان و همدستان رژیم شاه را از کشور اخراج می‌نماییم." تأیید نمود. پس وضعیت هدف‌های اجتماعی و دسکراتیک انقلاب، که موقعی رهبر شیعی در رتای آن با میل صحبت میکرد چه شد؟

کاهش سطح زندگی مردم قطع نمیشود. بر حسب بولتن تجارتی و صنعتی در ۱۹۸۴، معدل درآمد سنک خانواده شهری ۲۵ هزار ریال کمتر از حداقل سطح زندگی بوده است. در حال حاضر ۲ میلیون نفر بیکار وجود دارد.

هر روزه ایرانیان بیشتر نارضایتی خویش را از این وضعیت نشان میدهند. "وی اوپر" فرانسه‌وی نوشت، که در سه ماهه اول ۱۹۸۵ بیش از صد اعتصاب وجود داشته است. بزرگترین آنها در ذوب آهن اصفهان روی داد، جایی که ۲۵ هزار نفر مشغول به کار هستند. البته تمام این اعتصابات سرکوب شدند.

بگاهی به اوضاع

در سیاست خارجی، رهبران می‌خواهند "صدور انقلاب اسلامی" بنمایند، البته نه فقط بوسیله تبلیغات سیاسی. رسانه‌های مطبوعاتی بسیاری از کشورها می‌گویند جندی پیش سه هزار نفر از "پاسداران انقلاب اسلامی" به لبنان فرستاده شدند یک نماینده سفارت ایران در بیروت اعلام کرد که ایران ۱۵ میلیون دلار "برای رشد فرهنگ اسلامی در لبنان" وقف کرده است.

ایران حمایت گسترده‌ای از گروه‌های ضد انقلابی افغانی می‌کند، و از مذاکرات غیر مستقیم با دولت افغانستان سر باز می‌زند. در اواخر سال گذشته ایران بیش از یکبار بر روی مناطق مرزی افغانستان آتش (توپخانه) گشود. تبلیغات ایران مخصوص به کمک انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به خلق افغان در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب آوریل بر علیه ارتجاع داخلی و بین‌المللی، حمله می‌نمایند. تبلیغات ضد شوروی مطبوعات و رهبران ایران در تضاد کامل با منافع خلق‌های دو کشور قرار دارند. اتحاد شوروی که خواستار این است که روابطش با ایران بر پایه همسایگی خوب، احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی دو کشور بنا شود.



خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

بیاد رزمنده ...

بقیه از صفحه ۱

که در روز ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ بشهادت رسیدند ، از بگمترین رزمندگان راه رهایی کارگران ، زحمتکشان و خلقهای سراسر ایران و از مدافعان سرسخت مشی انقلابی مبارزه مسلحانه بودند . امروز با توجه به اینکه سازمان ما پرچم اندیشه‌های خلق رفیق کمیسر بیژن جزینی را با افتخار برافراشته است ، اپورتونیستهای رنگارنگ را بفکر تمجید و ستایش از این رفقا انداخته است . آنان که تا دیروز راه بیژن را راه انحرافی ، اوانتوریستی ، ساجراجویانه ، پیوپولیستی و ... می‌دانستند ، امروز می‌خواهند در ظاهر از او ستایش کنند تا نظرات اساسی او را نفی نمایند . چه کسی نمی‌داند که اساس و بنیاد دیدگاههای رفیق جزینی چنان بود که مشی انقلابی مسلحانه نتیجه اجتناب ناپذیر این بنیادهای انقلابی در چهار چوب نظرات رفیق بیژن جزینی بود . امروز هم ما که خاطره این رفقای رزمنده را گرامی می‌داریم ، راه انقلابی آنها ، مشی و دیدگاههای انقلابی و اصولی آنان را ادامه می‌دهیم . ما تمامی کسانی که با ستایش از رفقای کبیر فدایی همچون بیژن جزینی ، مشی انقلابی آنان را مورد تعرض ضد انقلابی و اپورتونیستی خود قرار می‌دهند ، بی رحمانه افشاء می‌کنیم . تمامی برنامه (هویت) سازمان ما بر اساس اصول نظری رفیق جزینی که در آخرین اثر شوریک - برنامه‌های او تحت عنوان " نبرد با دیکتاتوری شاه پشاه عمده ترین دشمن خلق و ژاندارم امپریالیسم " بدون شک قرار دارد .

رفیق جزینی می‌گوید " به این ترتیب در سیستم سرمایه داری وابسته تضاد اساسی سیستم ، تضاد کار با سرمایه بطور مطلق نیست ؛ بلکه تضاد خلق (...) با امپریالیسم و بورژوازی کمپرادور است " و با می‌گوید : " بنظر ما جنبش حاضر که مرحله‌ایست از جنبش رهایی بخش خلق ، با شعار استراتژیک مبارزه با دیکتاتوری شاه (در شرایط کنونی بخوانید با دیکتاتوری ولایت فقیهی خمینی) مشخص می‌شود " و با " در این شرایط عمده‌ترین مسئله ای که سد راه جنبش رهایی بخش شده است ، دیکتاتوری شاه (بخوانید رژیم خمینی) می‌باشد " و با " شروع مبارزه مسلحانه به معنی این نیست که شرایط عینی و ذهنی انقلاب فراهم شده و با آغاز مبارزه انقلاب آغاز شده است . از آنجا که این مبارزه ضرورت ندارد کاتی دارد ، لازم نیست شرایط ضروری برای انقلاب آماده باشد تا پیش از آنکه حق داشته باشد دست به اعمال قهر بزند " .

و با " در مرحله فعلی ماهیت سیاسی جنبش ، ماهیتی است ضد دیکتاتوری و شعار استراتژیک آن سرنگونی ساختن دیکتاتوری شاه (بخوان خمینی) است . از آنجا که دیکتاتوری سلطنتی (بخوان ولایت فقیهی) عمده ترین وجه تضاد خلق با امپریالیسم و بورژوازی کمپرادور است ، در مرحله فعلی شعار ضد دیکتاتوری می‌تواند نقش وحدت بخش در جنبش داشته باشد " و با " مبارزه مسلحانه در شرایط فعلی جنبش است ضد دیکتاتوری و مرحله‌ایست از جنبش رهایی بخش مردم که با اتکا به شعار وحدت دهنده سرنگونی دیکتاتوری فردی شاه و بخوانید خمینی ؟ "

اول ماه مه ...

بقیه از صفحه ۱

هر گونه چشم انداز روشن برای این طبقه است . از اینرو طبقه کارگر ایران با درک چنین اصل مهمی باید خود را برای سرنگونی این رژیم و استقرار حاکمیت انقلابی و مردمی ، متشکل و متحد نماید . طبقه کارگر ایران باید برای کسب قدرت سیاسی ، برای استقلال ، دموکراسی ، صلح و سوسیالیسم خود را متشکل و متحد نماید .

کارگران و زحمتکشان ایران

در شرایط کنونی که رژیم خمینی از هیچگونه جنبایتی در مقابل مبارزات شما فروگذار نمی‌کند ، در شرایطی که مبارزات اقتصادی و سیاسی گسترده بدون سازماندهی مبارزه مسلحانه انقلابی بعنوان شکل محوری مبارزه مقدور نیست ، تنها راه نجات شما ،

و با " حزب توده همچنان از مناسبات انترناسیونالیستی برداشتی مکابیکی و غیر مارکسیستی - لنینیستی دارد . حزب توده خود را ملزم به تبعیت بی قید و شرط نسبت به " قطب " جهانی می‌داند و از تصحیح موضع خود نسبت به مناسبات بین المللی و روابط بین احزاب و جنبشهای جهان عاجز است . نتیجه چنین اپورتونیسمی اینست که حزب توده نه بعنوان حزب طبقه کارگر بلکه بعنوان یک سازمان کوچک نیز نمی‌تواند نقش و مسئولیت خود را به دوش بگیرد . نتیجه این میشود که جریانهای مارکسیست لنینیست معتقد به مبارزه مسلحانه ناگزیر می‌شوند بر ضد مشی حزب توده بعنوان مهمترین مظهر اپورتونیسم راست طی سالهای اخیر دست به مبارزه ایدئولوژیک بزنند و بگویند که چهره اپورتونیستی حزب را بر نیروهای مبارز آشکار سازند " .

(تمام نقل قولهای بالا از کتاب نبرد با دیکتاتوری نوشته رفیق جزینی است . مطالب داخل پرانتز از ماست)

آیا اپورتونیستها و بویژه خادشین موسوم به اکثریت این مواضع را قبول دارند که امروز برای پایمال نردن اندیشه‌های مترک رفیق جزینی ، که تجسم مادی و فکلی آن سازمان ما پشاه سازمان پیشاز فدایی ، از او و ظاهرا ستایش می‌کنند .

آیا آن دسته اپورتونیستهایی که هنگام ما دارودسته موسوم به اکثریت و حزب توده ، مشی انقلابی سازمان طی سالهای قبل از انقلاب را ، اوانتوریسم ، خسرده بورژوازی و ... می‌دانند چگونه ستایش های خود از رفیق جزینی را می‌توانند توضیح دهند در حالی که اندیشه‌های مترک این رفیق را با حقاقت بی نظیری که خاص اپورتونیسم در لحظه کنونی جنبش است ، نفی می‌کنند .

سازمان ما پشاه مدافع بیکم اندیشه‌های رفیق فدایی کبیر بیژن جزینی و ادامه دهنده راه رفقای شهید در ۳۰ فروردین ۵۴ یکبار دیگر با آنان را با مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی و با مبارزه برای نابودی جنگ ، سرنگونی دیکتاتوری خمینی و استقرار صلح و آزادی ، گرامی می‌دارد .



متشکل شدن در واحدهای مخفی مقاومت کارگری و گسترش تمامی اشکال مبارزه بر محور مبارزه مسلحانه انقلابی است . تمامی کارگران ایران (بجز معدود عناصر کارگر فروش و وابسته به رژیم که در اجمنهای اسلامی متمرکز شده‌اند) از هر مذهب ، ملیت ، عقیده و سرام می‌توانند و باید در واحدهای مخفی مقاومت کارگری ، متشکل شده و با مبارزه متحد و یکپارچه خود که مضمون آن تعرض به رژیم ارتجاعی حاکم است برای سرنگونی این رژیم جنایتکار و استقرار قدرت انقلابی و مردمی گامهای استوار به پیش بردارند . کارگران ایران باید نشان دهند که واقعا پیشاز مبارزه علیه جنگ و استقرار صلح و آزادی هستند .

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) با درود بهمه کارگران مبارز و قهرمان ایران که در بیکار علیه ستم و استعمار مبارزه می‌کنند و برای سرنگونی رژیم جنایتکار و ضد کارگری خمینی می‌رزمند ، از کارگران ایران دعوت می‌کند که روز اول ماه مه بهر ترتیبی که ممکن است با شعار نابود باد جنگ ، سرنگون باد رژیم خمینی ، زنده باد صلح و آزادی ، قدرت و اراده انقلابی خود را نشان دهند . نردیدی نیست که طبقه کارگر با شرکت در بیکار انقلابی علیه رژیم خمینی مهر خود را بر این جنبش مترک خواهد زد .

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران جهان

زنده باد طبقه کارگر ایران پیشاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم ایران نابود باد جنگ ، سرنگون باد رژیم خمینی ، زنده باد صلح و آزادی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) ۲۲ فروردین ۱۳۶۵

نگراف تسلیم مسئول شورای ملی مقاومت ایران

بد نخست وزیر سوئد بمناسبت ترور اولاف پالنه

آقای اینگورا گارلسون
نخست وزیر سوئد

از سوی شورای ملی مقاومت ایران و مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی ، فقدان آقای اولاف پالنه نخست وزیر و شخصیت برجسته تاریخ معاصر سوئد را که طی یک حمله تروریستی جان خود را از دست داد ، به شا و دولت و ملت سوئد و خانواده آقای پالنه تسلیت می‌گوییم .

از یاد نمی‌بریم که آقای اولاف پالنه به نمایندگی از ملل متحد تلاش‌های فراوانی برای برقراری صلح در جنگ فاجعه آمیز ایران و عراق می‌نمود داشت که اساساً بدلیل اصرار رژیم خمینی بر ادامه جنگ نتوانست به نتیجه برسد . رژیمی که بر حسب مدارک مستند ، بالاترین گردانندگان آن مقاله با ماموریت صلح‌جویانه آقای پالنه و بی‌اثر کردن آن را - مشخصاً بخاطر اینکه با مقاصد آنها در زمینه صدور تروریسم مقابرت دارد - از ابتدا ضروری شمرند .

امیدوارم پیروزی صلح در ایران که قطعاً دروازه آزادی مهم نبرد است به آرزوهای صلح‌جویانه آقای پالنه جامه عمل بپوشاند و هرچه محدودتر کردن تروریسم گور و جنایتکاران را که رژیم خمینی یک منبع عمده برای گسترش آن در سطح جهانی است ، در چشم‌انداز قرار دهد .

مسئول شورای ملی مقاومت ایران
سعود رهوی
۱۰/اسفند/۶۴
۱/مارس/۸۶

گزارشاتی ...

بیرون مرز با تقویت کردن ایستگاههای رادیویی خود بپردازند و تمام تبلیغات حکومت را افشا نمایند .
(۴) ناراضیهای اجتماعی :
الف - در مورد دزدی - ریشه دزدی در جامعه فقیر اقتصادی می باشد . جامعه ای که در آن میلیونها جوان بیکار باشند ، دزدی زیادی صورت خواهد گرفت .
ب - در مورد خودکشیها - بطور مثال در شهر لاهیجان آن محیط کوچکی که دارد ، در یکسال ۴ نفر دست به خودکشی زده اند . خودکشی اول مرد ۲۵ ساله و خودکشی دوم زن معلم ۲۶ ساله ، خودکشی سوم جوان ۲۵ ساله دیپلمه بیکار ، خودکشی چهارم جوان ۲۷ ساله دیپلمه بیکار . در این محیط کوچک لاهیجان وقتی این طور جوانها به کام مرگ کشیده میشوند در محیط بزرگی مثل تهران - مشهد و شهرهای بزرگ دیگر غوغا است . ریشه اصلی این خودکشیها در سه چیز خلاصه میشود :
۱ - فقر اقتصادی ۲ - بیکاری ۳ - فشارهای روحی .
و برای هر کدام از این سه میحت جریانهایی دیگری بوجود خواهد آمد که فکر میکنم از مبحث اصلی ما خارج باشد .
ج - در مورد رشوه گیری :

یک آفت جدیدی که در جامعه ایران شیوع پیدا کرده است ، رشوه گیری میباشد . سرمایه داری وابسته با دامن رشوههای کلان به وابستگان حاکمان محلی کانالیایی را برای خودشان باز میکنند که منافعتان فقط به جیب خودشان برود .
ج - در مورد اعتیاد :

یک بیماری خطرناکی که رژیم به آن دست زده است ، همین اعتیاد میباشد . رژیم نه تنها جلوی اعتیاد را نمیگیرد ، بلکه آنرا در سطح جامعه شیوع میدهد زیرا از این طریق میخواهد فکر جوانان را که سرمایه حاسه هستند بگیرد و آنها را از خط اصلی خود به انحراف بکشد . همچنین اعتیاد در جامعه ریشه دیگری هم دارد . فقر اقتصادی و بیکاری و ناراحتیهای روحی و نبودن تفریحات سالم باعث بروز اعتیاد در سطح جوانان میشود . در حال حاضر در صد معتادین از زمان شاه بیشتر است و روز به روز هم اضافه میشود این بلای بزرگی است که در جامعه شیوع پیدا کرده و باید برای آن فکر جدی کرد . در خاتمه با درود به شهیدان که برای آزادی خون دادند و با درود فراوان به شما مبارزان که برای تحقق بخشیدن خون شهیدان به تلاش استوار خود ادامه میدهند تا روشایی را به ایران عزیز برگردانید . برای شما عزیزان آرزوی موفقیت دارم . به امید پیروزی -
نظریات یک ایرانی

درباره ماجراجویی
اخیر باند توکل 'اقلیت'

باند توطئه گر توکل مؤسوم به اقلیت ، در پی اقدامات ضد دموکراتیک و سرکوب نیروهای مخالف باند خود ، تا ارتکاب جنایت درحوزه تشکیلات و همو شدن با بنی صدر و بختیار ، تا هموسی با رژیم خمینی در حوزه سیاست ، به ورشکستگی تحتومی کشیده شده است . این باند برای رهایی خود از این گرداب دست بهر تلاش غیر شرافتمندانه ای میزنند . در این رابطه مسئول خارج از کشور این باند ، اخیرا دست به ماجراجویی تازه ای زده و با گسیل داشتن تعدادی اوباش (که آزمایش خود را قیلا در کتک زدن نیروهای سیاسی و مخالفان سیاسی خودشان داده اند) به منطقه اورسوراواز محل اقامت آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و دفتر سازمان مجاهدین خلق در پوشش افشای " سیاستهای بورژوازی شوروی ملی مقاومت " ولی در اصل بمنظور سرپیوش گسارندن بر بی آبرویی خود با ایجاد سر و صدا و برهم زدن نظم شهر و تحریک افکار عمومی آنجا بمنظور جلوگیری از فعالیت نیروهای مقاومت و بخصوص ایجاد تشییقات برای شخص مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ، عمق بی هویتی و بی پرستی خود را نشان داده و در این رابطه دقیقا در خدمت اهداف رژیم خمینی و مزدوران رنگارنگ امپریالیسم فرار گرفتند . این باند توطئه گر بعد از بوجود آوردن فاجعه ۴ بهمن با اعلامیه های متعدد و تراکم فریاد و زاری خود تا جنایت خود را توجیه کنند و آنرا اقدامی در مبارزه با " بورژوازی " قالب کنند ، اما آن جارو جنایتها و دروغها نه تنها هیچ ثمری نداشت ، بلکه بهر چه بیشتر ایزوله شدن این باند در میان نیروهای سیاسی منجر گردید . با نگاهی به تاریخچه " درخشان " سیاستها و عملکردهای ضد انقلابی این باند ، طبیعی بنظر میرسد که این توطئه گران برای بازار گرمی توجیحات و دروغهایشان و منحرف کردن افکار مردم و نیروهای سیاسی نسبت به جنایتان ، دست به شیوع بازی و خرابکاریهای دیگری از این نوع بزنند .

از آنجایی که این باند شورو و خرابکار بر اساس مشی ضد انقلابی و کنار گذاشتن عرصه اصلی مبارزه به تاخت و تاز و ایجاد درگیریهای فیزیکی در درون صف انقلاب پرداخته است ، چنین سوزهای را برای ضربه زدن به مقاومت انقلابی مسلحانه انتخاب می نماید .

این اقدام ضد انقلابی در ادامه اقدامات گذشته آنان فقط سورد بسند و خشنودی رژیم ارتجاعی خمینی قرار خواهد گرفت . ما در این رابطه از همه نیروهای انقلابی خواستار محکوم کردن این باند هستیم و بایکوت کامل و طرد آنها را تنها راه اصلی برای جنبش انقلابی از این نوع انحرافات مخرب میدانیم .

روستای " دیر یاسین " توسط صهیونیستها ۱۱ آوریل ۱۹۱۹ - ترور امیلیانو ز. پاتا رهبر جنبش دهقانی در مکزیک ۱۵ آوریل ۱۹۶۱ - هجوم امریکا به کوبا در خلیج خوکها

شبهه های ...

بقیه از صفحه ۴
سال سال نیز افزوده میگردد . شهادان حاکم کسرمجوی از کشتار و شکنجه و سرکوب و اخلاقی سوار هستند و بزور سرنیره حکومت میکنند . وقیحانه نام این وابستگی را " خود کفایی " گذاشته اند و برای فریب مردم هزار گاهسی بازسازی یک دستگاه ساده ، که از هر دانشجویی نیز بر می آید ، را " اختراع " و " آزادی از قیود وابستگی " قلمداد میکنند .

حاکمیت سرمایه و زور ، حاکمیت بورژوازی دلال و وابسته ، نمیتواند جز این عمل کند . او ماهیتا وابسته به بازار و سرمایه امپریالیستی است و خود جزئی از آن بشمار میرود . بریدن بندهای وابستگی یعنی بریدن بندهای حیات تنگین این طبقه زالو صفت و دولت خدمتگزار آن و پر واضح است که چنین اقدامی تنها از طیفهای بر می آید ، که میان او و امپریالیسم و سرمایه داری تنها دریایی از خون شهیدان حائل باشد . طبقه کارگر .

کارگران قهرمان و زحمتکش رنج دیده و خلقهای آزادیخواه ایران انتخاب با شجاعت ، تن در دادن به این حکومت جبار ، تن در دادن به ادامه وابستگی و جبار ، تن در دادن به ادامه استثمار است و سرنگون ساختن بساط این داور دسته جنایتکار راهگشای رسیدن به ایرانی مستقل ، دموکراتیک و انقلابی است . راه رهایی در مقابل شجاعت ، صفوف خود را در تدارک قیام سلححانه توده های مستحکم سازید و پیوند خود را با بیشتران انقلابی طبقه کارگر استوار نمائید و با حرکتی یکپارچه طومار اینس ثارتگران را در هم بیچید .

سرنگون باد رژیم ارتجاعی خمینی
بریده باد همه بندهای وابستگی

جاودانه باد خاطره همه شهیدان قهرمان خلق
هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت) - تهران

گرامی یاد خاطره

قاضی محمد و یارانش

روز دهم فروردین سال ۱۳۲۶ پیشوا قاضی محمد فرزند برجسته و فداکار خلق کسرد و یکی از بنیانگزاران حزب دموکرات کردستان ایران به همراه دو تن از یارانش سیف قاضی و صدر قاضی در شهر مهاباد توسط جلاان رژیم شاه بدار آویخته شدند .
خاطره قاضی محمد همیشه در قلب خلق کرد جاویدان و راه او مشعلی فروزان در مبارزه خلق کرد می باشد .
یاد قاضی محمدا و همه رزمندگان و شهیدای خلق کرد گرامی باد .

در زندانهای ...

بقیه از صفحه ۹
ایشان بعمل آمد به اصطلاح " تعدیر " (نوع شرعی شکنجه) بود . مردوران جنایتکار طبق روال دائمی زیر شکنجه از آنها اعتراف می گرفتند تا بطور کلی هسته های شهری حزب را منلاشی کردند . این افسراد حدودا ۳۰ نفر می شدند و چون از همه آنها اعتراف گرفته بودند آنها را در یک اتاق جمع کردند و اسم

برخی از ...

بقیه از صفحه ۱۰
خارجی
۲۱ مارس ۱۹۸۶ - نبرد قهرمانانه گرامسه ، از حماسی ترین نبردهای مردم فلسطین
۲۷ مارس ۱۹۷۶ - پیروزی جنبش رهایی بخش انگولا به رهبری مپلا
۲۷ مارس ۱۹۸۶ - در گذشت پوری گاکاریان
۲۸ مارس ۱۸۶۸ - تولد ماکسیم گورکی ، نویسنده بزرگ
۹ آوریل ۱۹۴۸ - قتل عام وحشیانه مردم فلسطین در

در زندانهای...

بقیه از صفحه ۱۰

شکل ساختمان سلولها يك زاویه قاشمه تشکیل می‌داد . از سلول يك تا پنج يك ضلع ، و از ۶ تا ۱۰ ضلع دیگر آن بود . دیواری که بین هر سلول بود حداکثر ۱۰ سانتیمتر ضخامت داشت . از گوشه و کنار سوراخ کوچکی در این دیوار ایجاد کرده بودیم تا بتوانیم با همدیگر صحبت کنیم و زنجیروار می‌توانستیم از يك تا ۵ و از ۶ تا ۱۰ تماس برقرار کنیم . بطوریکه سواره زیادی وجود دارد که بعلمت این تماسها يك تشکیلات با يك هسته محفوظ مانده و افرادی که در بیرون زندان با همدیگر در ارتباط بودند و همگی دستگیر شده بودند از طریق تماس از اوضاع هم با خبر میشوند . این امر باعث میشد تا در بازجویی ها همگویی يك حرف را بزنند . وقتی که يك نفر تازه دستگیر میشد تمام زندان با خبر میشدند . سلولها به همدیگر می‌گفتند و سلول ۱۰ نیز با بند ۲ ارتباط داشتند و بندها هم همه با هم در ارتباط بودند . البته بعضی ازقات ارتباطات به علت لو رفتن سوراخهای ارتباط قطع میشدند . بطور کلی و بعد از مدتی دوباره که اوضاع عادی می‌شد به حالت اولیه باز می‌گشت . این مسئله بحدی تعمیق پیدا کرد که مسئولین زندان دیگر نمی‌توانستند با کمک زدن و با تشکیل پرونده برای زندانی از این جریانات جلوگیری کنند . با لاخره مجبور شدند در ساختمان دیگری تعدادی سلول انفرادی بسازند و اینبار کسانی که تازه دستگیر می‌شدند به آنجا برده می‌شدند و ما از آنها بی خبر بودیم ولی بعد از پایان بازجویی آنها نیز به بازداشتگاه آورده میشدند و می‌توانستیم از اوضاع آن ساختمان نیز با خبر شویم . جالب اینجاست که سلولهای آن ساختمان نیز همگی با هم ارتباط داشتند بعضی اوقات برای از بین بردن این ارتباطات بحدی فشار می‌آوردند که کل زندانبانان کمک عمومی می‌خوردند و برای همه گزارش می‌نوشتند و بر روی پرونده می‌گذاشتند . این گزارشات مقداری در وضع دادگاه و حکم آن موثر بودند . اغلب سلولها نم داشتند و بخاطر این بود که بعضی اوقات برای فشار روحی بر زندانی و بخاطر جلوگیری از خوابیدن زندانبانان در داخل سلول آب می‌ریختند .

مزدوران رژیم حرکات تک تک زندانبانها را در داخل سلول زیر نظر داشتند به این صورت که در وسط در سلول يك درجه وجود داشت و در وسط درجه يك سوراخ کوچک ایجاد کرده بودند و از این سوراخ داخل سلول را زیر نظر می‌گرفتند .

بندها :

بطور خلاصه به اتاقهایی که تا اندازه‌ای بزرگند و تعداد افراد آن از ۳ نفر بیشتر است در بازداشتگاهها بند گفته میشود .

بازداشتگاه بوکان دارای ۱۰ بند است . اندازه آنها اغلب ۴ × ۳ متر و ۴ × ۶ متر می‌باشند . در این اتاقها مراقبی که تعداد بازداشت شدگان زیاد می‌شوند حدود ۲۰ نفر قرار می‌دهند که در اصل این اتاقها ظرفیت ۱۰ نفر بیشتر را ندارد . بندها نیز همانند سلولها برای خواب بسیار تنگ بودند و محور بودیم به اصطلاح " قفسی " بخوابیم یعنی فقط روی تاشه . حساب کرده بودیم که جای يك نفر از دو وجب بیشتر نمی‌شد گاهی اوقات هم که تعدادی زندانی آزاد می‌شدند مقداری جای

باز می‌شد اما مزدوران رژیم برای اینکه ما نتوانیم راحت بخوابیم تعداد بندها را کاهش می‌دادند و بسر تعداد افراد يك بند می‌افزودند .

وضع غذا و دستشویی بندها نیز همانند سلولها است . اما چون تعداد افراد بند بیشتر است وقت بیشتری برای دستشویی رفتن می‌دهند . هر بند يك ربع برای دستشویی وقت دارد . تا سال ۶۲ در زندان بوکان هیچ بندی هواخوری نداشت در سال ۶۲ بنابر از بندها توأبیین که از امکانات نسبتا بیشتری برخوردار بودند بقیه بندها هفته‌ای ۴۵ دقیقه هواخوری داشتند .

افراد يك بند ترکیب یکسانی نداشتند هواداران حزب دمکرات و گومره بیشتر بودند تعدادی نیز به‌عنوان گوناگون دستگیر شده بودند ، با وجود اینکه افکار مختلف بود اما اتحاد عمل خوبی داشتیم تر اغلب موارد که تصمیم می‌گرفتیم همگی افراد بند موافقت می‌کردند . بطور کلی روحیه افراد بندها خوب بود و در برابر زندانبانان استادگی نمی‌کردیم تا جایی که بعضی اوقات کار به بازجویی می‌کشید . بازجوها نیز اغلب سعی می‌کردند اول مسئله را حل کنند و سپس سپردهای به اصطلاح محرک را بشناسند و تا اندازه ای هم شناخته بودند . اغلب این افراد را به سلولهای انفرادی می‌برند . در موقعی که در زندان بوکان بودم چندین دفعه اعتصاب غذا کردیم و خواهشهای مختلفی را مطرح می‌کردیم تا اندازه‌ای هم موفق شدیم .

مثلا مدت هر نفر در ۲۴ ساعت يك نان داشت و سایر ماه رمضان به گسائی که روزه نمی‌گرفتند بسیار و صبحانه نمی‌دادند و خواهشهای دیگر ۰۰۰ وقتی با این وضعیت روبرو شدیم همه بندها از اوضاع هم با خبر بودیم (تصمیم می‌گرفتیم با قاضی چند روز صمت به اعتصاب غذا بزنیم و با به دستشویی نروسیم . همانطور که ذکر کردم بیشتر خواهشهایمان را بسر آورده کردند . چون چاره دیگری نداشتند . چیزی که احتیاج به ذکر آن است این است که زندانبانان مزدور به دستور مسئولینشان جز ۳ وعده دستشویی مواقع دیگر به هیچ وجه اجازه دستشویی رفتن به زندانبان نمی‌دادند و خیلی از آنها مجبور بودند در داخل اتاق احتیاج خود را رفع کنند . وقتی هم هیلثی برای بازدید می‌آمد به محض مطرح کردن این کمبودها فوراً مسئله عدم امکانات را پیش می‌آوردند . و قول می‌دادند که به این وضع رسیدگی کنند اما فقط حرف بود و بس .

کلاسهای به اصطلاح ایدئولوژیک و پیامدهای آن :

حدود دوازده ماه از دستگیریم گذشته بود که برای اولین بار در بازداشتگاه کلاس ایدئولوژیک دایر کردند از هر بندی چند نفر را به انتخاب بازجوها برای کلاس می‌بردند (البته دقیقاً نمی‌دانم معیار انتخاب برای کلاس چه بود اما بگزارم که بقیه افراد بند نیز تقاضای رفتن به کلاس را کردند " عسگری " بازجو جواب داد " خط بدهدها و فکریها مائل شوند برابمان کافیمت " . يك آخوند معلم کلاس بسود و درسهایی در مورد خداشناسی و از این قبیل مساحست را تدریس می‌کرد . در اولین جلسه کلاس کنترل شدیدی از سوی زندانبانان اعمال می‌شد تا جایی که کسی حق تکان دادن سرش را نداشت اما وقتی به این وضع مواجه شدیم تصمیم به ترك کلاس گرفتیم و کلاس بهم خورد . برای جلسه دوم دیگر کنترل به طریق قبلی نبود فقط تذکر می‌دادند که کسی حق صحبت کردن با افراد بنده

دیگر را ندارد باز هم نتوانستند این قانون را تحمیل کنند و با لاخره کار بجایی کشید که کاراز احوالپرسی و غیره به کنی دستگیر شدی و بازجویی شدی و غیره رسید . پیامد کلاس این بود که تمام بندها با همدیگر رمز و جای نامه قرار کردیم و هر روز نامه برای همدیگر ردوبدل می‌کردیم بطوریکه اگر در سلول کسی نامه‌ای برای دوست یا برادر و با هر کسی داشت به سلول ۱۰ می‌رفت و از سلول ۱۰ به بند ۲ داده می‌شد و بند ۲ نیز می‌داشت که طرف در کدام بند است و نامه را به ایشان ارسال می‌کردند .

قبل از تشکیل کلاس ارتباط چندان بین بندها نبود و فقط بندهایی که در یکدیف بودند و دیواری بینشان بود از همدیگر خبر داشتند . از بندهای پایین خبر چندانی نبود اما بعد از کلاس از جزئی ترین مسائل هم با خبر می‌شدیم . اما مسئله ارتباط با بند دخترها مقداری مشکل بود . با لاخره این هم جور شد و دیواری را سوراخ کردیم و با آنها نیز تماس گرفتیم . با بند توأبیین نیز تماس داشتیم و از تمامی کارهایی که می‌کردند جز به جز با خبر بودیم چون در بند توأبیین نیز افراد سر موضع وجود داشت که مصلحتی توبه کرده بودند . بند ما طوری ترکیب شده بود که همگی از حالت متهم خارج شده و به اصطلاح مجرم و محکوم شده رسیده بودیم . از این رو بیشتر تصمیمات و حرکت‌های اعتراضی از طرف این بند بود تا جایی که از طرف خود مسئولین زندان نیز لقب اتاق " فرمانده " می‌گرفته بودیم .

بعد از اینکه حاکم شرح به بوکان آمد و اغلب دادگاهی شدیم . بعضی‌ها آزاد شدند و بقیه محکوم شده بودیم و اینبار " الك شده " شدیم . بعد از یکی دوپناه دیدیم که باید فکری کرد و چون دیگر معلوم شده حتما چندین سال مانعی هستیم . با لاخره بعد از مدتی مشورت کردن به این نتیجه رسیدیم که باید فرار کنیم . از طرف بند ما تمام نقشه کشیده شد و بندهای دیگر اطلاع دادیم و مسئله را کاملاً برایشان شرح دادیم و با موافقت همگی بندها (جز بند توأبیین که به آنها خبر ندادیم) روبرو شدیم و قرار گذاشتیم که در مدت يك هفته آماده باشند و اگر سر و صدایی در سالن شد ، شیشهها را شکسته و به سالن بیایند . البته این طرح ۹۸ در صد قابل اجرا بود . چون شبها جز دو بازجو و ۳ زندانبان کسی دیگری نمی‌ماند و ما نیز محل خواب آنها را دقیقاً شناسایی کرده بودیم ، اما متأسفانه بعلمت اختلالی که سر جاسای خواب بین ۳ نفر در یکی از بندها بوجود آمد ، جریان لو رفت و اول بند خودشان و سپس بند ما و بترتیب بندهای شلوغ را زیر بازجویی و ضرب و شتم قرار دادند . البته لازم به توضیح است که در هر بند تعدادی از افرادی به دلایلی از جریانات بی خبر بودند و اغلب افراد ترسو جز این دسته بودند .

بند توأبیین (بوکان)

زمانی که در تابستان سال ۶۱ من دستگیر شدم اسمی از جریان توأبیین نبود . البته مسئولین بازداشتگاه نهایت فعالیت و شکنجه خود را برای من به همکار دامن يك نفر می‌کردند اما باز جریانی به این نام مطرح نبود . تا بهار سال ۶۲ تعداد زیادی از همدیهای حزب دمکرات که در داخل شهر بودند دستگیر شدند . اولین اقدامی که بعد از چند سوال اساسی از بقیه در صفحه ۸

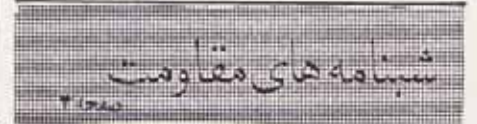
در زندانهای خمینی گزارشی از یک رفیق

توضیح : آنچه در زیر می‌آید ، گزارش جامعی از بعضی زندانهای رژیم خمینی در تاریخ های گوناگون است که توسط یکی از رفقا تهیه شده است و طی چند شماره از نظر خوانندگان مبارز می‌گذرد . ما در چاپ این گزارش از ذکر نام بعضی افراد (زندانیان) بعلل گوناگون خودداری کرده و تنها حرف اول نام و تعلق سازمانی آنها را ذکر می‌کنیم . این گزارش از ستان ۶۱ تا اواخر سال ۶۳ را در بر می‌گیرد .

محل‌های نگهداری زندانیان در بوکان : بطور کلی در بازداشتگاهها دو محل نگهداری زندانیان وجود دارد که عبارتند از سلول و بند . سلولها به دو دسته انفرادی و چند نفری تقسیم می‌شوند .

۱ - سلول : همانطور که قبلا ذکر کردم بازداشتگاه بوکان ۱۰ سلول دارد . پنج سلول آن ۱۰ در پنج و پنج و پنج نای دیگر ۱۰ در ۷ و پنج است . بیشتر کسانی که تازه دستگیر می‌شوند و یا کسانی که حاضر به اعتراف نیستند و یا افراد تنبیهی را در سلول قرار می‌دهند . بعضی اوقات در یک سلول فقط یک نفر و گاهی در آن سلولهای کوچک برای فشار آوردن چهار نفر قرار میدهند . وضع نظافت و دستویی و غذای سلولها در وضع خیلی بدی می‌باشد . مثلا اغلب یک نفر ماهها اجازه حمام کردن نداشت . در ۲۴ ساعت ۳ الی ۴ بار در سلول را باز می‌کنند و به زندانی اجازه می‌دهند به دستویی بروند آنهم زندانیان مکررا صدا میزنند " زودباش " ، " عجله کن " . در کل می‌توان گفت افراد یک سلول فقط پنج دقیقه حق دارند به دستویی بروند . در طول مدتی که در بوکان بودم برای هیچک از سلولها حتی چند دقیقه هم هوا خوری یعنی به حیاط رفتن و مقداری هوای تازه استشمام کردن نبود . زندانی که شبها و روزهای زیادی در داخل یک اتاق تاریک می‌ماند ، وقتی که برای اولین بار به حیاط زندان میرفت تا چند دقیقه کج می‌شد و نمی‌توانست جایی را ببیند . سلولها در تابستان خیلی گرم و در زمستان بسیار سرد بودند . در تابستان مجبور بودیم از روشن کردن چراغ برای درست کردن جای خودداری کنیم . مواقعی که در سلول ۳ یا ۴ نفر بودند هوا بحدی گرم میشد که مجبور بودیم لباسهایمان را درآوریم . نکته جالبی که باید ذکر شود اینست که در تابستان چند نفری که در سلول می‌خوابیدیم آنقدر هوای بازدم به پشت گردنمان می‌خورد که همگی به مرور پوست اندازی می‌کردیم .

بقیه در صفحه ۹



برخی از رویدادهای تاریخی

- داخلی :
- ۱۳۵۸/۱/۶ - شروع کشتار و حشایشه مردم ترکمن صحر ا توسط رژیم خمینی
 - ۱۳۳۷/۱/۲ - خروج عراق از پیمان سنتو
 - ۱۳۵۹/۱/۷ - قتل عام مردم کردستان در روستای قله تان
 - ۱۳۶۲/۱/۸ - قتل عام مردم کردستان در روستاهای گانی رش و پیران جیغ
 - ۱۳۲۶/۱/۱۰ - شهادت پیشوا قاضی محمد و بارانش صدر قاضی و سیف قاضی توسط مزدوران رژیم شاه
 - ۱۳۹۹/۱/۱۲ - قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خوزان
 - ۱۳۹۹/۱/۱۶ - قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز
 - ۱۳۲۰/۱/۱۶ - در گذشت پروین اعتصامی
 - ۱۳۵۸/۱/۱۸ - شهادت دانشجوی مبارز ناصر توفیق‌بان در راهپیمایی کارگران بیکار در اصفهان
 - ۱۳۴۴/۱/۲۱ - شهادت رضا شمس آبادی در جریان تیر اندازی به شاه
 - ۱۳۳۷/۱/۲۳ - اعتصاب ۱۲۰۰۰ تاجکیران در ایران
 - ۱۳۳۰/۱/۲۴ - اعتصاب ۴۰۰۰۰ کارگر نفت در آبادان که ۱۲ روز طول کشید
 - ۱۳۵۱/۱/۳۰ - شهادت (اندام) ۲ مجاهد قهرمان علی باقری ، مصیبت پوشیده ، محمد بازرگان و ناصر صادق توسط رژیم شاه
 - ۱۳۵۴/۱/۳۰ - شهادت ۲ مجاهد خلق کاشمیری و لاسزار و مصطفی جوان خوشدل به همراه ۷ رفیق فدائیان در تپه‌های اوین
 - ۱۳۵۸/۱/۳۰ - آغاز حمله رژیم جمهوری اسلامی به مردم نرده
- بقیه در صفحه ۸

شهادت فدائی در فروردین ماه

برای فتح قله‌های
رسالت عشق ؛
عشق به آزادی ؛
عشق به مردم ؛
عشق به برتری ؛
یا سرگ پاییزی .

- ۱۳۵۰ - شهادت رفیق جواد صلاحی
- ۱۳۵۴ - شهادت رفقا : حبیب موسوی - خشابار سنجری منصور قوشمندی - محمد معصوم خانی (شهادت رفیق کبیر بیژن جزینی و رفقا : حسن فیاض ظریفی ، سعید مشعوف کلانتری ، محمد چوپانزاده ، عباس سورگی عزیز سرمدی ، احمد جمیل افشار
- ۱۳۵۵ - شهادت رفقا : حمید اکرامی ، محمد رضا کامیابی
- ۱۳۵۶ - شهادت رفقا : نزال آبتی (پریدخت) سیمین پنجه شاهی ، عباس هوشمند ، علی میرابسون بدالله سلسبیلی
- ۱۳۵۸ - شهادت رفقای فدایی : جلیل اراضی ، بهرام آق اتابای ، عطا خانجانی ، آراز محمد وردی پسر ، غفور عمادی - عبدالله صدقی زاده ، بردی محمد کوسه غراوی ، قربانعلی پور نوروز ، سعید جوان مولایی علی محمد خوجه فیروز شگری ، آناه بردی سرافراز قربان (آرقا) شفیمی ، فیروز صدیقی ، نور محمد شفیمی ، محمد رسول عزیزبان ، در جنگ تحمیلی به مردم ترکمن صحرا توسط رژیم خمینی
- ۱۳۵۹ - رفیق پروین افروزه
- ۱۳۶۱ - رفقا : محمد حرمتی پور ، منوچهر کلانتری

در تکمیل روتوزیع
آثار سازمان
بکوشید

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است . کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد ، یا مستقیما بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه تشریح و اریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به یکی از آدرس های سازمان ارسال دارید .

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365 _____ کد گیشه
MME.TALAT R.T.
2617 G _____ شماره حساب
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE

گرامی باد خاطره پیشوا قاضی محمد و یارانش

برای دریافت نبرد خلق
و سایر نشرات سازمان با
آدرس های زیر مکاتبه کنید

APARTADO DE
CORREOS
50. 610
MADRID SPAIN < اسپانیا
F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE < فرانسه

زنده باد استقلال ، دموکراسی ، صلح و سوسیالیسم